در دربار پادشاه ایران

هاشمی، میر جلال

تا حال روابط سیاسی-نظامی و...کشورهای گوناگون اروپایی با«ممالک محروسهء»ایران‏ در دورهء قاجاریه از دیدگاه‏های گوناگون بررسی شده است.در این بررسی‏ها بعضی از کشورها، مانند انگلستان و روسیه،نقشی مهم و بعضی کشورها مانند فرانسه و آلمان نیز روی‏هم‏رفته‏ نقش‏هایی فرعی دارند.ولی در این‏گونه بررسی‏ها بی‏تردید جای بعضی از این کشورهای«بهیه» نیز،چون ایتالیا و اتریش را می‏توان گفت که تقریبا خالی‏ست.

در کتاب‏های مربوط به تاریخ ایران،از کشور ایتالیا فقط به اشارت،هنگامی گفتگو به میان‏ می‏آید که از سفرنامه‏های مارکو پولو Marco Polo و پیترو دلاّ والّه Pietro Della Valle گفته‏ می‏شود.یا از نقش بعضی میسیونرهای کاتولیک،و یا از ارتباط اوزون حسن با جمهوری و نیز یاد می‏گردد.و از کشور اتریش،گاهی اینجا و آنجا،وقتی صحبت به مدرسهء دار الفنون می‏رسد که‏ نخستین آموزگارانش اتریشی بودند،و یا هنگامی که از ایرانیانی یاد می‏گردد که برای تحصیل،یا برای آموزش فن و صنعتی روانهء این کشور می‏شدند.در هرحال،در کتابهای تاریخ،در زمینهء روابط سیاسی-نظامی،این دو کشور نقش چندان قابل توجهی ندارند.

کتاب مورد معرفی به زبان ایتالیایی‏ست،و در آن با مراجعه به موثق‏ترین منابع و مآخذ گوناگون ایرانی و خارجی،با تفسیر مفاهیم و اصلاحاتی همچون«خاور»و«باختر»از دورترین‏ دوران تا سدهء حاضر،و با بازگویی خلاصه‏یی از نکات تاریخی و جغرافیایی ایران،ضمن‏ شرحی فهرست‏وار از سفرنامه‏های اروپاییان از دوران قدیم تا به امروز،برای نخستین بار نسخهء دست‏نوشته و خطی سفرنامهء«آن‏تنره پرینی Antenore Perini »به چاپ رسیده است.در این‏ بررسی،همچنین نکات مختلفی از جنبه‏های گوناگون مربوط به سرزمین ایران و زندگی مردم‏ آن،که در نسخهء دست‏نویس سفرنامه مبهم یا ناگفته گذارده شده،در بخش پی‏نوشت و یادداشت‏های پایانی کتاب (note) ،توضیح داده می‏شود.

نویسندهء سفرنامه،«آن‏تنره پرینی Antenore Perini »از اهالی روستایی به نام مری Mori در استان ترنتینو Trentino بوده است.مرکز این استان شهر ترنتو Trento می‏باشد.این استان امروزه، در منطقه‏یی در شمال کشور ایتالیا واقع گشته و تا زمان نخستین جنگ جهانی جزو قلمرو کشور اتریش به شمار می‏آمده است.بنابر همین دوگانگی،این سفرنامه را می‏توان هم سندی از پروندهء روابط سیاسی-نظامی ایران و ایتالیا شمرد،و هم ورقی از پروندهء روابط ایران و اتریش.

در ماه ژانویهء 1882 میلادی،دولت وین هیأتی سیاسی-نظامی را روانهء ایران می‏سازد.این هیأت نه نفره،پس از دیدار با نریمان خان(سفیر آن زمان ایران در امپراطوری اتریش-هنگری) در شهر وین،از طریق لهستان و اوکرایین،و دریای سیاه،به شهر تفلیس رسیده و از آنجا از راه‏ باکو،دریای خزر،و بندر انزلی وارد شهر رشت می‏شوند و مورد استقبال مقامات شهری آنجا قرار می‏گیرند.پس از چند روزی استراحت در رشت،چند نفر از این گروه با اسب و آن‏تنره پرینی‏ به خواست خود به طور پیاده راهی قزوین شده و پس از مدتی،سرانجام وارد تهران می‏گردند. آن‏تنره پرینی گروهبانی از اعضای نظامی این گروه بوده است،که طبق سنن نظامی اتریش- المانی آنان را Kaiserja?ger می‏خوانند.وظیفهء این عده نو-بازسازی ارتش دورهء ناصر الدین شاه\* طبق برنامه و سلسله‏مراتب ارتش مدرن آن زمان اتریش بوده است.

آن‏تنره پرینی از سال 1882 تا 1884 در تهران به سر برد و با دیگر اروپاییان ساکن تهران در آن زمان دوستی برقرار کرد و رفت‏وآمد داشت.وی چند بار نیز،به همراه دیگر افراد گروهش به‏ نزد ناصر الدین شاه بار یافت.

پس از بازگشت به کشور خود،آن‏تنره پرینی،که یکی از سوسیالیست‏های منطقهء خویش نیز بود،سفرنامهء کوتاه و بسیار شیرین و ساده‏اش را می‏نویسد که ضمن آن چند بار برای دیار دوبارهء ایران،و حتی برای زندگی در میهن عزیز ما ابراز دلتنگی می‏کند.

اهمیت این سفرنامه،امروزه،اتفاقا در همین شیرین روایت و سادگی آن نهفته است.زیرا گذشته از جنبهء تاریخی آن،خصوصیت ذکر شده،این سفرنامه را در فهرست کتابهای ادبیات‏ مردمانه یا ادبیات تودهء مردم letteratura popolare ایتالیا قرار می‏دهد.از همین روی،بررسی و تحقیق جنبه‏های گوناگون این سفرنامه برای مؤسسه و تشکیلات معتبری مانند موزهء تاریخی‏ استان ترنتو Trento انجام گرفته،و از انتشارات مرکز مطالعات و اسناد این موزه می‏باشد.

(\*)برای رعایت تلفظ درست و صحیح بعضی واژه‏ها و نام‏های فارسی به زبان ایتالیایی،در متن کتاب،هرگاه‏ حروف«س»،«ص»و یا«ت»در میان واژه یا نامی قرار گرفته،هرچند نامشدّد،دوبار تکرار گشته است.